

## معلم بمتابه معمار جامعه

این وظیفه عظیم و سازنده یک معلم است که شاگردان خود را از احساسات و ظنپرستی عشق بمردم و عشق بوطن و عشق به انسانیت و احترام بمقام انسانی و احساسات بشر دوستی را در وجود جوانان کشور تقویه کند .

زیبایی جهان بنام معلم است

فوق فلک سریر مقام معلم است

خورشید هر کجاکه بتابیده پرفروغ

تا بید نش ز گوشه بام معلم است

معلم آموزگاریست که با آموزه های خردمندانه خود سعادت بشریت را تضمین میکند. استاد بمتابه معمار جامعه مدنیت را ایجاد و شگوفای میسازد و بشریت را از چاه ظلمت رهایی بخشیده به بلندای سراسر آفرازی و قله های آرزوی انسانی و سپیده دم تاریخ میرساند عشق به انسان و احترام بمقام انسانی شعار جاودانه معلم است . معلم خورشیدی است که با مهرش جهانی را گرم و روشن میسازد . معلم مسیحای زندگی ، آموزنده کار و حرکت ، تلاش و مبارزه ، جنبش و انقلاب است ، زیرا آموزش و خردمندی ، خادمی و رهبری ، صحت و سلامتی ، رفاه و آسایش ، ترقی و پیشرفت ، کار و تولید ، زحمتکشی و محصولات ، معشیت و شخصیت بلاخره رشد و بالندگی ، آفرینش و سازندگی و غیره و غیره ممیزه های هستی فنا ناپذیر راه آورد و ارشادات مقام عظیم الشان معلم است .

قول معروف است که سعادت کشورها نه مربوط به میزان درآمد و استحکام آنهاست و نی مربوط به عظمت و زیبایی بنا های آنها بلکه سعادت و عظمت یک کشور به میزان سطح دانش ، آفرینشها و فراورده های علمی ، ترقی خواهی ، وطنپرستی ، آزادی و احساس غرور و نواندیشی ، و ارزشهای فرهنگی و تاریخی آن جامعه بستگی دارد که بسیاری از کشورها را به قله های بلند افتخارات میرساند .

کسانیکه انسانرا یاد میدهند سزاوار احترام بیشتر نسبت به کسانیکه کودکان را بوجود می آورند میباشند . یک گروه بکودکان زندگی میبخشند یک گروه دیگر بکودکان هنر زندگی کردن را می آموزند . بقول ابن سینای بلخی معلم بهترین الگوی مورد اعتماد و احترام دانش آموز بشمار میرود . امام غزالی میگوید شریف ترین شغل و برترین هنر زیست انسانی معلم است . که بوسیله علم و دانش خود در قلب و روح انسان رسوخ و نفوذ میکند . و این معلم است که سینه اش ملهم از مهر و محبت و رهنمایی ، چیزفهمی ، عامل بودن و خود گذری را می آموزاند . ابن خلدون میگوید معلم هنر آموزش مهارتها ، بروز احساسات ، جذابیت و تشخصات درسی ، را می آموزاند .

ژان ژاک رسو شناخت مردم و جامعه شناسی را هنر معلم نسبت میدهد . ویکتور هو گو میگوید معلم چراغ جامعه است و اگر درب مدرسه باز شود درب زندان بسته خواهد شد به همین ترتیب البرت انشتین معتقد بود که تداخل یا دیگری بینی تحصیلاتم هست . ارسطو چنین معتقد بود که ریشه های دانش تلخ است و محصولات آن شیرین . گاندی فرموده بود طوری زندگی کنید که انگار فردا قرار است بمیرید و طوری یاد بگیرید که انگار بطور همیشه زنده خواهید بود معلم معمار جامعه است و هشدار دهنده برای

پیشگیری از اشتباهات است . بقول معروف اگر معماری در کار ساختمانی اشتباه کند یک دستگاه ساختمانی را خراب خواهد کرد ویا اگر مهندسی اشتباه کند در ساختمان پل یا جاده ی اشتباه میکند واگر یک داکتر طب غلط کند صحت مریضها ی تحت درمانش را برهم خواهد زد و اگر یک معلم اشتباه کند بدون شک جامعه را مریض ودچار آشفتگی میسازد . به همین دلیل بود که در سطح جهان به این موجود زندگی ساز ، بر بنیاد ارجگذاری مردم و به پیشنهاد یونسکو روز پنج اکتوبر را بعنوان روز جهانی معلم نامگذاری کرده اند . با اینحال برخی از کشور ها ی جهان در روز های متفاوتی از روز جهانی معلم تجلیل بعمل می آورند .

بطور مثال در ایران در ماه اردیبهشت روز شهادت یکتن از معلمان . در افغانستان سوم جوزا وپس از آن سوم میزان وهر کشوری از جهان بنا به وقایع تاریخی مختلف این روز را در تاریخ فرهنگی کشور خود ثبت نموده اند . روز پنجم اکتوبر بعنوان روز جهانی معلم زمانی ثبت تاریخ گردید که سالها قبل از آن در ختم جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۵ سازمان آموزشی علمی وفرهنگی ملل متحد که به اختصار کلمه یونسکو نوشته میشود با این تحلیل که جنگها نخست در ذهن انسان شکل میگیرد پس دفاع از صلح نیز باید از ذهن بشر شروع شود شکل گرفت .

یونسکو بشمول افغانستان کمابیش از ۱۹۰ کشور اعضا دارد ودر سال ۱۹۹۴ در چهل وچهارمین اجلاس خود با شرکت ۱۳۵ کشور جهان پنجم ماه اکتوبر بنام روز معلم بتصویب رسید که از سال ۱۹۹۵ به بعد روز ۵ اکتوبر که مصادف است بروز ۱۳ میزان تجلیل میشود .

آریانای باستان خراسان سده های میانه وافغانستان کنونی از قرنها وسالها قبل مهد علم ودانش بوده است وبگواهی تاریخ رسم الخط این سرزمین باستان از قرن بیستم تا حدود قرن سوم وچهارم قبل از میلاد را در بر میگیرد وتعلم وتربیت توسط آیین ویدیا در مدنیت اوسطایی صورت میگرفت .پس از آن آیین زردشتی نیز مروج بود .منطق، فلسفه ،علم نجوم ، طب یونانی نیز تدریس میشده است .محل تعلیم وتدریس آن زمان در دربار پادشاهان وتفرجگاه ها بود .

با نشر دین مبین اسلام مساجد ومدارس بهترین کانون تعلیمی در اطراف واکناف کشور محسوب میشد ودر هر منطقه کتابی بزبان مادری تدریس میشد .رفته رفته در خراسان نیز در قرن چهارم مدارس بزرگ وکتابخانه ها تاسیس گردید .واز دوره های ساسانیان گرفته تا دوره های غزنویان ، غوریان ، خوارزمشاهیان ، سلجوقیان ، کورگانیان و هوتکیان ، هزاران عالم وفاصل ودانشمند را در دامن خود پرورانده است که بزرگترین آنها بصورت اختصار مولانای بلخ ، سید جمال الدین افغان ، ابن سینای بلخی ، ابوریحان البیرونی ، امام فخر رازی ، فردوسی انصاری ، سنایی ، نظامی گنجوی ، پیر روشن ، عبدالحمید مومند ، بیهقی ، ناصر خسرو بلخی وانچه از داده های تاریخ بر می آید افغانستان تا اواخر قرن نزدهم از نظر تعلیم وتربیت دارای یک نظام مشخص آموزشی نبود این کار بصورت سنتی در مراکز فرهنگی واموزشی که میراث صدها سال بود مانند مسجد ومکتب خانه ومنزل ودر علمیه ها انجام میشد واما در زمان امیر شیر علیخان که امیر موصوف با سید رابطه خوب داشت وبه همینگونه تحت تاثیر گفته ها

وارشادات ایشان قرار داشت بر بنیاد آن اقدامات فرهنگی را رویدست گرفت. که تاثیر زیادی بر تحولات بعدی کشور گذاشت.



سید جمال الدین افغان

امیر شیر علیخان

سید جمال الدین افغان بروحیه امیر چنان تاثیر وارد کرد که نخستین جریده در کشور بنام شمس النهار بنشر رسید. و بر بنیاد افکار و نظریات سید، اساسات فرهنگ مکتبی عصری در افغانستان رویدست گرفته شد و در زمان امیر حبیب اله خان دو باب مکتب یکی لیسه حبیبیه در سال ۱۲۸۲ و مکتب عسکری در سال ۱۲۹۱ و دیگری مکتب مسلکی در شهر کابل تاسیس گردید و تاثیرات خود را در کل کشور بجا گذاشت.



علیحضرت غازی امان اله خان

محمود طرزی

آنوقتی که غازی امان اله خان در سال ۱۲۹۸ بقدرت رسید در سال ۱۳۰۰ همزمان ۲۲ باب مکتب تنها در شهر کابل تاسیس گردید تعداد ۳۲۲ باب مکتب در سطح کل کشور اساس گذاشته شد یعنی مکاتب استقلال، غازی، امانیه، لیسه دخترانه مستورات تاسیس و تعدادی از جوانان بخاطر تحصیل بکشور ترکیه نیز اعزام گردیدند باید گفت که محمود

طرزی در طرح و ایجاد مکاتب و مدارس ورشد تعلیم و تربیه عصری مطبوعات و نشرات نقش اساسی داشت که از بنیادین و اساس معارف درین دوره برشد معارف و مطبوعات توجه خاصی صورت گرفته و خدمات محمود طرزی در سطح کشور ماندگار است .

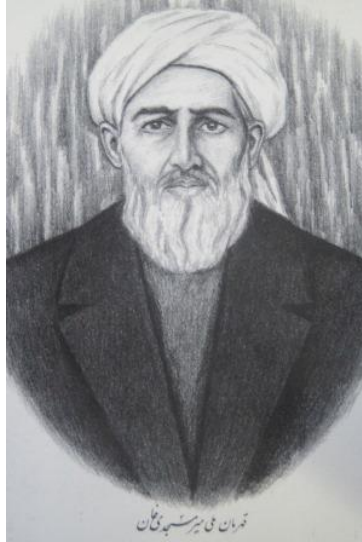
پس از یک دوره رکود فرهنگی تا اینکه در زمان نادرخان مع الوصف خصلتهای ضد فرهنگی خاندان نادری ، علم و فرهنگ دوباره و بطور نسبی رونق گرفت فاکولته طب کابل و بعضی مکاتب در مرکز ولایات تاسیس گردید .

در زمان محمد ظاهر چندین دانشکده تاسیس گردید و در سال ۱۹۴۶ افغانستان عضویت یونسکو را حاصل کرد . در همین دوره تعلیم و تربیت در قانون اساسی کشور مسجل گردید و در ولایات کشور تعداد زیادی از دارالمعلمین ها مکاتب مسلکی دانشکده ننگرهار وده ها و صدها مکاتب ابتدایه ولیسه تاسیس گردید . در زمان صدارت شاه محمود ۶۲۷ مکتب و ۳۴۴۱ معلم و یکصد و دوازده هزار شاگرد مصروف تعلیم و تحصیل بود .

و بعدها با رشد معارف تعداد مکاتب دهاتی و ابتدایی ولیسه ها به ۱۴۶۰ باب و تعداد شاگردان ذکور و دخترانه به ۸۷۲ هزار و در مکاتب مسلکی و دارالمعلمینها به بیست و یک هزار شاگرد میرسید . با آنهم بمقیاس نفوس کشور ۹۷ فیصد را بیسواد تشکیل میداد و در زمان جمهوری محمد داود خان نیز بر تعداد مکاتب در کشور افزوده شد .

در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطابق به پالیسی ترقی خواهانه حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پس از تصویب قانون اساسی سال ۱۳۵۹ مطابق به ماده ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی که به معارف اختصاص داشت مطابق به آن اساسنامه معارف مصوب سال ۱۳۶۰ شورای وزیران ج د ا اهداف این اساسنامه تعلیم و تربیت جوانان با روحیه عالی انقلابی و وطنپرستی و اشتراک فعال و آگاهانه در تحولات و آمادگی دفاع از میهن و پرورش سالم کودکان ، رشد سطح آگاهی جوانان بصورت متوازن و دموکراتیک و فعالیت های اجتماعی و سیاسی ، احترام بموازین اخلاقی وحدت ملی و وطنپرستی و فاداری به آینده های پیشرفت اجتماعی و همبستگی بین المللی و مشخص ساختن وظایف معلم را در امر مجهز نمودن شاگردان با مبادی مستحکم علوم تشکیل جهانبینی علمی ، رشد مفید اجتماعی و لیاقت شاگردان ، بلند بردن سطح کیفیت تدریس ، تشریح و دفاع از حقوق معلمان کشور و اعطای امتیازات به معلمان ، فعالیت گسترش متوازن معارف ایجاد مکاتب ، شیرخوارگاهها و پرورشگاه ها در مرکز و محلات و تدریس علوم بزبانهای مادری در تمام ولایات ، رشد تحصیلات عمومی و مسلکی ، توجه بتحصیلات عالی مسلکی و تربیت تشخیص کادر ها از پالیسی های ترقیخواهانه دولت بود که در قوانین و اساسنامه معارف تدوین و تصویب شده بود و بشدت عملی و تطبیق میگردد .

و اما در زمان جنگ ، مدعیان اسلام بخاطر محروم ساختن کودکان و جوانان از نعمت سواد علم و دانش تعلیم و تربیه مطابق خواست دشمنان افغانستان تمام مکاتب محلات افغانستان را به آتش کشیدند . بگونه مثال نخستین بار در سال ۱۳۵۹ ایسه غازی میرمسجدی خان کوهستانی همراه با تمام کتب و دینیات آن توسط حزب اسلامی این مدعیان اسلام به آتش کشیده شد .



غازی میرمسجدی خان کوهستانی از غازیان و پیشوایان جبهه جنگ با استعمار یون انگریزی بود . پس از آن لیسه محمد عثمانخان غازی را به آتش کشیدند غازی عثمانخان پروانی یکی از برجسته ترین مجاهد ضد استعماری و یکی از آزادی خواهان سر سپرده دوران مشروطیت بود که در زمان امیر حبیب اله بجرم مشروطه خواهی به اعدام محکوم شده بود این مجاهد کبیر ریخته شده از فولاد ناب با غرور و سربلندی قبل از اعدام در برابر امیر عضبناک با منطق کوبنده فریاد کنان گفت « شکنجه مرگ ما چند لحظه ی بیش نیست ولی محاسبه ملت با شما شکنجه ایست ابدی »

ولی خرابکاران سیه دل دشمنان تعلیم و تربیه ومدعیان اسلام بر ضد اسلام باردیگر از قیام ملت و مبارزه آزادی خواهانه این غازی مردان در برابر انگریز انتقام گرفتند وبا سوختاندن صدها مکاتب در ولایات کشور ومحروم ساختن میلیونها جوان از نعمت سواد برخلاف اساسات دین و شریعت غرای محمدی وکشتن هزاران مکتبی را بجرم مکتب خواندن وکشاندن کودکان را جبراً بصفوف جنگ وآغشته بمواد مخدره وبه مهاجرت کشاندن جوانان ، خدمت بزرگی به پاکستانیها انجام داده وروح رهبران آی اس آی را شاد ساختند . این نمونه ادعای شان برای آزادی وطن وخدمت برای اسلام بود تنها در یکی صدها شاگرد مکتب بجرم فراگیری تعلیم وتحصیل کشته شدند وده ها نفر بجرم معلم بودن شهید شدند.

آنهايي که مکاتب را در افغانستان به آتش کشیدند فرزندان شان در کشور های اروپایی وامریکایی بمصرف خون ملت افغانستان تحصیل کردند این است عملکرد سرسپردگان رهبران جهادی . در حالیکه این آتش سوزی ها به بهانه اسلام ادامه همان تخریباتی بود که چندین سال قبل در زمان غازی امان اله خان دروازه های مکاتب را بروی انسان این وطن بسته کرده وروح ملا های لنگ ونورالمشایخ وشمس المشایخ ها را شاد ساخته بودند وبر طبق عادت گذشته این باردوم بود که مدعیان اسلام راه اسلاف خود را درپیش گرفته پروسه استعداد کشی زمانه های تاریک را بر مردم بیدفاع افغانستان تحمیل کردند

در زمان حکومت موجود وقبل از آن بار دیگر دغدغه معارف با لاف وگزارف تیم مداح ومنفعت جو بالا گرفت که در نتیجه آن در کنار کارهای نیم بند ونو سازی مکاتب ومعارف ودانشگاه ها وپوهنتونهایی در مرکز ومحلات گفته میشود که ده ها مکاتب

خیالی نیز اعمار و تاسیس گردیده است که میلیونها میلیون دالر از بودجه عمرانی و معاش معلم بنام مکاتب « اصلاً ناموجود » بجیب مسولین ریخته و به بانکهای خارجی انتقال یافته است که این مدعیان اسلام بابتی شرمی تمام نام افغانستان را در سرلوحه فساد جهانی ثبت تاریخ کردند . و برای معلمین در ازای کار و زحمت تنها با برگزاری نمادین و فریبنده روزی را بنام والای معلم بتجلیل گرفته ولی در عمل حقوق و معاش معلمان که فقیر ترین قشر جامعه را تشکیل میدهد تامین نمیگردد .

این معلم است که بر حکم وجدان و ایمان خویش در شرایط فقر مریضی بیخانگی و قرضداری و احتیاجی باز هم خاک تباشیر میخورد ولی پرچم تعلیم و تربیه اولاد معارف را بلند نگه میدارد . درود به استادان و معلمان گرامی .

در حال حاضر که ارتجاع و گروه های تروریستی در کشور بیداد میکنند و چرخ امور بمیل و منفعت گروه های خاص میچرخد، بر نسل جوان کشور تعلق دارد که با خرد جمعی و آگاهی سیاسی و نیروی اتحاد و همبستگی بتوانند وطن را از شر دزدان و قاچاقبران مواد مخدره و سازشکاران با دشمنان سوگند خورده افغانستان رهایی بخشیده تا معلم و متعلم در کمال آسایش زندگی کنند .

استادان گرامی و معلمان محترم صدای تان رسا و قلم تان توانا تر باد .  
عبدالوکیل کوچی .